

کارزار جمهوری اسلامی درباره جنبش دانش‌آموزی فرانسه دخالت است؛ شش گام برای پاسخ

وزیر خارجه حکومتی که در دی ۱۴۰۴ هزاران شهروند خود را کشت، روز ۲۷ مهر ۱۴۰۵ به رئیس‌جمهور فرانسه توصیه کرد «به آینده فرانسه گوش بسپارد». عباس عراقچی نوشت «مردم فرانسه خواهان تغییری همه‌جانبه‌اند، از جمله آزادی تجمع». این دیگر اظهارنظری درباره بحرانی در کشوری دیگر نیست؛ دولتی خارجی درباره آینده سیاسی فرانسه حکم صادر می‌کند، آن هم در پایان کارزاری سه‌هفته‌ای که وزارت خارجه فرانسه در ۱۵ مهر، هنگام احضار سفیر جمهوری اسلامی، آن را «کارزار اطلاعات نادرست» خوانده بود. جمهوری اسلامی در کمتر از یک ماه از رسانه‌های سپاه به سخنگویی رسید که به فرانسوی می‌نوشت، و سپس به خود وزیر. درنا این تشدید را آزمونی حساب‌شده می‌داند: جمهوری اسلامی می‌سنجد تا کجا می‌تواند در فرانسه پیش برود بی‌آنکه هزینه‌ای بپردازد. پاسخ نیز باید در همین سطح باشد.

کارزاری حکومتی و آشکار

پرونده رصدخانه ایران این کارزار را روزبه‌روز، از نخستین پیام در ۶ مهر تا پیام وزیر در ۲۷ مهر، بازسازی می‌کند. فرستندگان جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند: وزارت امور خارجه و سخنگوی آن اسماعیل بقائی، مجتبی زارعی نماینده مجلس، خبرگزاری‌های تسنیم و فارس که به سپاه پاسداران وابسته‌اند، روزنامه جوان ارگان سپاه، کیهان، و صداوسیما با شبکه‌های برون‌مرزیش، پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی. اینجا با شبکه‌ای از حساب‌های ناشناس سروکار نداریم که انتسابش احتیاط بطلبد؛ دولتی است که از زبان نهادهای رسمی خود سخن می‌گوید.

ترتیب رویدادها گویاست. روز ۶ مهر، یک هفته پس از آغاز جنبش در دبیرستانی در کرتی، کانال تلگرام تسنیم از آتش زدن یک مدرسه به دست دانش‌آموزان خبر داد. تا ۹ مهر، همین کانال‌ها نوجوانان فرانسوی را «اغتتاشگر» نشان می‌دادند. روز ۱۰ مهر بقائی خط رسمی را تعیین کرد: دانش‌آموزان فرانسوی قربانی سرکوب شدند و رسانه‌های رسمی هم همان را تکرار کردند. روز ۱۴ مهر جمهوری اسلامی سفیر فرانسه را احضار کرد و برای پلیس فرانسه «سازوکار تحقیق مستقل» خواست. روز ۱۸ مهر تجمعی جلوی سفارت فرانسه در تهران با پلاکاردهای فرانسوی‌زبان برپا شد و یک نماینده مجلس «تجربه» بسیج دانشجویی را به پلیس فرانسه پیشنهاد کرد. روایت با دستور سیاسی تغییر کرد، نه با واقعیت.

درخواست «سازوکار مستقل» شایسته توجه است. این عین واژگان قطعنامه‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی است؛ حکومتی که هرگز چنین سازوکاری را در خاک خود نپذیرفته، اکنون آن را از دموکراسی‌ای طلب می‌کند که دادگاه‌هایش پیشاپیش به کار افتاده‌اند.

دروغ‌ها، یک‌به‌یک سنجیده

رصدخانه ایران هشت ادعای مقام‌ها و رسانه‌های حکومت را بررسی کرده است: پنج ادعا نادرست یا بی‌پایه است، دو ادعا واقعیتی را تحریف می‌کند و تنها یکی درست است.

- **قطع اینترنت در فرانسه.** کیهان تیت‌زد «دولت مکرون اینترنت را قطع کرد» و جوان قطع اینترنت در فرانسه و ایران را مقایسه کرد. هیچ قطعی به دستور دولت رخ نداده است؛ یکی از کانال‌های هوادار حکومت در همان پیام از اختلال فنی نزد اپراتورهای فرانسوی خبر می‌داد.

- **«۷ هزار دانش‌آموز و دانشجو در زندان».** وزارت دادگستری فرانسه تا ۱۶ مهر ۶۸۷۷ بازداشت موقت ثبت کرده بود، ۸۶ درصد از آن‌ها زیر هجده سال، و تنها ۲۱ نفر بازداشت شده بودند. بازداشت موقت زندان نیست؛ و این فاصله جزئیات نیست.

- **«جاویدنامان فرانسه».** تصویر کیسه‌های اجساد در خیابانی در پاریس، که با هیچ رویداد ثبت‌شده‌ای در فرانسه تطبیق ندارد، نخست در ۱۳ مهر روی حسابی هوادار حکومت با حدود ۷۷۰۰ دنبال‌کننده در ایکس ظاهر شد و سپس با آرم کانالی تلگرامی با یک میلیون عضو دست‌به‌دست شد. در این جنبش هیچ مرگی گزارش نشده است.

- **خروج از ناتو و اتحادیه اروپا.** یک اینفوگرافیک این خواسته را به دانش‌آموزان نسبت داد؛ خواسته‌های واقعی آنان معلمان کم، کلاس‌های شلوغ و ساختمان‌های فرسوده است. فارس راهپیمایی «فرگزیت» را که شبکه روسی RT فیلمبرداری کرده بود، قیام خیابان‌های پاریس علیه مکرون جلوه داد؛ درست در همان روزی که خواسته‌های واقعی دانش‌آموزان را از رویترز نقل می‌کرد.

- **«سازمان ملل به فرانسه: بس کنید».** دفتر حقوق بشر سازمان ملل از همه خواست اعتراض‌ها مسالمت‌آمیز بماند و از پلیس خواست از زور نامتناسب پرهیز کند. هیسپان‌تی‌وی و کیهان تنها نیمه دوم را نگه داشتند.

- **«مکرون از جنایات علیه ایرانیان استقبال می‌کند».** پیام خود عراقچی متن پیام مکرون به دونالد ترامپ را بازنشر می‌کند که در ۲۹ دی ۱۴۰۴ علنی شد: «درباره ایران می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم». در این پیام نه از جنایت سخنی هست و نه از قربانیان ایرانی.

کارزار بر رویدادهای واقعی تکیه دارد. صورت دانش‌آموزی ۱۴ ساله با شلیک گلوله لاستیکی آسیب دید، دانش‌آموزی دیگر یک چشم خود را از دست داد و دست نفر سوم با نارنجک قطع شد. این پرونده‌ها جدی‌اند و در جایی که باید، بررسی می‌شوند: وزیر کشور فرانسه تا ۱۵ مهر از ۱۸ پرونده ارجاع‌شده به بازرسی پلیس خبر داد و استفاده از نارنجک‌های صوتی را پس از حادثه لانس متوقف کرد. رسانه‌های حکومت این زخم‌ها را

بزرگ می‌کنند، بی‌آنکه نگران نوجوانانی باشند که آن‌ها را بر تن دارند. این زخم‌ها برای آن‌ها ماده خام روایتی است که مخاطبی دیگر دارد.

آینه وارونه

سازوکار اصلی کارزار این است که فرانسه را به همان کارهایی متهم کند که جمهوری اسلامی در ۱۴۰۱ و بار دیگر در آذر و دی ۱۴۰۴ انجام داد: قطع اینترنت، بازداشت دسته‌جمعی نوجوانان، شلیک به چشم معترضان، لباس‌شخصی‌ها، «مادران داغدار». هر اتهامی که به پاریس زده می‌شود، رفتاری را توصیف می‌کند که در ایران مستند شده است.

این سازوکار تا تصاحب واژگان خیزش مردم ایران پیش می‌رود. کانال‌های هوادار حکومت زیر تصاویر فرانسه نوشتند «زن، زندگی، آزادی، فرانسه این را ندارد؟» و واژه «جاویدنام» را، که ایرانیان برای جان‌باختگان سرکوب به کار می‌برند، برای فرانسه به کار بردند؛ زیر صدها واکنش خنده. رسانه‌ای دیگر پرسید چرا کسی به دانش‌آموزان فرانسوی نمی‌گوید «کمک در راه است»؛ ریشخندی به پیام‌هایی که در دی خطاب به معترضان ایرانی فرستاده شد. از نگاه درنا، این گویاترین بخش کارزار است. بدل کردن زبان سوگ به شوخی، زخمی دوباره بر خانواده‌های جان‌باختگان است.

این آینه از درون هم ترک برمی‌دارد. دو رسانه همسو با حکومت پرسیدند چرا اعتراض‌های دانش‌آموزی فرانسه حتی یک کشته نداشته است. پاسخ در خود پرسش است؛ و همین تفاوت است که کارزار می‌کوشد پنهانش کند.

مخاطب واقعی، ایرانیان‌اند

بیشتر محتوای کارزار به فارسی و در کانال‌های تلگرامی منتشر می‌شود که هسته وفادار حکومت دنبال می‌کند. پربیننده‌ترین حلقه، کانالی «ارزشی» بی‌آنکه رسانه رسمی باشد، در هر پیام مربوط به این موضوع بین ۶۱ هزار و ۷۰۰ تا ۶۵ هزار و ۲۰۰ بازدید داشته است. زمان‌بندی به اندازه زبان اهمیت دارد. کارزار کمتر از دو هفته پس از گزارش ۲۶ شهریور هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره سرکوب آذر و دی ۱۴۰۴ آغاز شد؛ سرکوبی که سازمان حقوق بشر ایران در آن بیش از ۴ هزار و ۲۰۰ کشته، از جمله ۲۸۱ کودک و نوجوان، ثبت کرده است. شمار واقعی قربانیان بیشتر است.

نمایش نوجوانان فرانسوی در برابر پلیس ضدشورش یک هدف دارد: کشتاری مستند را به برخوردی انتظامی و عادی میان همه دولت‌ها بدل کند، و به ایرانیان بگوید هیچ پایتختی در جهان صلاحیت داوری درباره حاکمانشان را ندارد. کارزار از فرانسه سخن می‌گوید، اما علیه قربانیان دی ۱۴۰۴ استدلال می‌کند. هر آینه‌ای که بی‌پاسخ بماند، تنها راه باقی‌مانده برای خانواده‌های آنان، یعنی پاسخ‌گویی بین‌المللی، را فرسوده‌تر می‌کند.

از سخنگو تا وزیر

خشونت‌های ۲۵ مهر، که چند شهرداری هدف حمله قرار گرفت، مرحله دوم را گشود. بقائی روز ۲۶ مهر نامه‌ای سرگشاده به انگلیسی خطاب به «آقای مکرون» منتشر کرد، با تصویر مرد جوانی در جامه انقلابی، با کلاه دوگوش و شال سه‌رنگ. او قاطعیت فرانسه در برابر حمله به نهادهایش را در برابر حمایت پاریس از معترضان ایرانی در دی قرار داد، همان معترضانی که آنان را عامل «بازیگران خارجی بدخواه» خواند، و نامه را با لافونتن به پایان برد: نیرنگ اغلب به صاحبش بازمی‌گردد. فردای آن روز، عراقچی از «تغییر همه‌جانبه» در فرانسه سخن گفت. پیام او به حدود ۴۲۴ هزار بازدید رسید؛ پیام فرانسوی‌زبان بقائی در ۱۴ مهر حدود ۵۹ هزار بازدید داشت.

این تغییر تنها در شدت نیست؛ در ماهیت است. جمهوری اسلامی اکنون همان دستور زبانی را درباره فرانسه به کار می‌برد که دموکراسی‌ها درباره ایران به کار می‌برند: معترضانی که از بیرون هدایت می‌شوند، رهبری که باید به مردمش گوش بسپارد، تغییر سیاسی به نام مردم. وزیر خارجه‌ای که بالای سر رئیس‌جمهور فرانسه جوانان فرانسوی را خطاب می‌کند، آشکارا در امور داخلی فرانسه دخالت می‌کند.

رویدادی که تکرار می‌شود

از سال ۱۳۹۷ تاکنون، هر جنبش اجتماعی بزرگ در فرانسه همین واکنش را از سوی جمهوری اسلامی برانگیخته است. در جریان جلیقه‌زرها، وزارت خارجه در آذر ۱۳۹۷ پلیس فرانسه را به «خویش‌تنداری» فراخواند و علی خامنه‌ای در بهمن ۱۳۹۷ فرانسه را به «کور کردن» معترضان متهم کرد. از آن پس، حکومت هر جنبشی را که بتواند جامعه فرانسه را بی‌ثبات کند، دستاویز کرده است. **ن\ن\شیوه مسکو**. این کارزار شیوه‌های کرم‌لین و گاه حتی تصاویر آن را وام می‌گیرد: فارس راهپیمایی «فرگزیت» را که شبکه روسی RT فیلمبرداری کرده بود، قیام خیابان‌های پاریس علیه مکرون جلوه داد. جمهوری اسلامی مانند مسکو از هر شکافی در جامعه فرانسه بهره می‌گیرد، آن را با رسانه‌های حکومتی و حلقه‌هایش بزرگ می‌کند و علیه دولت فرانسه به کار می‌برد. پاریس آموخته است دخالت‌های روسیه را علناً به نام بخواند؛ هنوز با جمهوری اسلامی چنین نکرده است. **ن\ن\چرا فرانسه**. دولت فرانسه در اروپا قاطع‌ترین موضع را در برابر اقدامات حکومت دارد، از حقوق بشر تا پرونده هسته‌ای و تروریسم. پاریس در دی ۱۴۰۴ سفیر حکومت را به دلیل «خشونت حکومتی» احضار کرد، در سال ۱۴۰۴ علیه جمهوری اسلامی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد، همراه لندن و برلین بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را به جریان انداخت، و در مرداد ۱۴۰۴ با سیزده کشور دیگر طرح‌های ترور و آدم‌ربایی حکومت در خاک اروپا را محکوم کرد. برای جمهوری اسلامی، هر آشوبی در فرانسه مصمم‌ترین رقیب اروپایی‌اش را تضعیف می‌کند.

آنچه در ۱۴۰۵ تغییر کرده، مقیاس درگیری دولت و دستگاهی است که پشت آن قرار دارد. فرانسه در تیر ۱۴۰۳ یکی از تهیه‌کنندگان سابق صداوسیما را که وزیر کشور او را عامل نفوذ مرتبط با نیروی قدس خوانده بود، اخراج کرد. مترجمی ایرانی ساکن لیون که در اسفند ۱۴۰۴ به اتهام تمجید از تروریسم محکوم و از خاک فرانسه ممنوع‌الورود شد، در فروردین ۱۴۰۵ در تهران با استقبال صداوسیما روبه‌رو شد. یک اینفلوئنسر فرانسوی‌ایرانی که از حمایت دیپلماسی جمهوری اسلامی برخوردار بود، در شهریور ۱۴۰۵ محکوم شد. یکی از دو دیپلمات

جمهوری اسلامی که در مرداد ۱۴۰۵ اخراج شدند، رایزن فرهنگی سفارت بود. در مرداد ۱۴۰۴ فرانسه و سیزده کشور دیگر سوءقصد، آدم‌ربایی و آزار مخالفان از سوی سرویس‌های جمهوری اسلامی در خاک خود را محکوم کردند. به گزارش نشریه «لا لتر» در ۲۴ مهر، نهادهای امنیتی فرانسه «امضای حکومت ایران» را پشت چند حساب فرانسوی‌زبان در ایکس شناسایی کرده‌اند. کارزار مهرماه بخش آشکار حضوری است که پیش از آن وجود داشت.

پاسخ فرانسه تاکنون

پاریس در کمتر از بیست‌و‌چهار ساعت و در زمین درست پاسخ داد. احضار ۱۵ مهر «محتوای دروغین» حساب‌های رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی را محکوم کرد و آن را «تحریکاتی ناشایست» خواند. پاریس اجازه نداد جمهوری اسلامی این رویارویی را به بحثی درباره حقوق بشر در فرانسه بدل کند.

از آن پس، پاسخ مهار شده است. به گزارش «لا لتر»، ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، از تیرماه ارزیابی دبیرخانه کل دفاع و امنیت ملی (SGDSN) درباره نفوذ جمهوری اسلامی را در اختیار دارد و دو بار قصد انتشار آن را داشته است. گفته می‌شود کاخ الیزه افشاگری صریح را به دخالت‌های روسیه اختصاص می‌دهد؛ خویشتنداری‌ای که زمانی که شهروندان فرانسوی در ایران گروگان بودند اتخاذ شد و پس از آزادی آنان نیز ادامه یافته است. پیشنهاد بستن مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در پاریس نیز ظاهراً پذیرفته نشد. این اطلاعات تنها از یک نشریه آمده و به‌طور رسمی تأیید نشده است. اگر درست باشد، دلیل آن خویشتنداری دیگر برجا نیست: سسیل کولر و ژاک پاری در فروردین ۱۴۰۵ ایران را ترک کردند، و حکومت از آن هنگام تا سطح وزیر خارجه پیش رفته است.

شش گام

درنا از مقام‌های فرانسوی و اروپایی می‌خواهد در سطحی که این کارزار به آن رسیده است، پاسخ دهند.

1. **دولت فرانسه: نام بردن علنی از این دخالت و پاسخ رسمی به وزیر.** فرانسه آموخته است عملیات روسیه را علناً به نام بخواند، هم در سطح وزیر و هم در گزارش‌های «ویژینوم». جمهوری اسلامی باید همین رفتار را ببیند: نام بردن از شیوه و عامل آن، افکار عمومی را آگاه می‌کند و هزینه کارزار بعدی را بالا می‌برد. پیام‌های ۲۶ و ۲۷ مهر از محتوای مورد اشاره در احضار ۱۵ مهر فراتر می‌روند و پاسخی رسمی می‌طلبند. پیشنهاد بستن مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در پاریس نیز باید دوباره بررسی شود.

2. **ویژینوم: توصیف حقوقی کارزار.** فرمان ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۱ چهار معیار برای دخالت دیجیتال خارجی تعیین می‌کند. دو معیار نخست، یعنی بازیگر خارجی و ادعاهای آشکارا نادرست، با اسناد عمومی ثابت شده‌اند. نهادهای امنیتی بهترین جایگاه را برای اثبات دو معیار دیگر دارند، از جمله درباره حساب‌های فرانسوی‌زبانی که «لا لتر» از آن‌ها خبر داد.

3. **اتحادیه اروپا: هماهنگی تحریم‌ها علیه بازوهای رسانه‌ای سپاه.** تسنیم از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده تحریم شده است و فارس از سوی ایالات متحده. اتحادیه اروپا باید فهرست خود را به رسانه‌های

سپاه که در این کارزار نقش داشته‌اند و هنوز در آن نیستند، گسترش دهد.

4. **فرانسه و اتحادیه اروپا: اجرای کامل تحریم‌های پرس‌تی‌وی.** پرس‌تی‌وی از ۲۳ آبان ۱۴۰۱ به دلیل پخش اعترافات اجباری در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا است، اما همچنان سرویسی فرانسوی‌زبان دارد با خبرنگاری در پاریس که گزارش‌های آن درباره جنبش دانش‌آموزی را امضا کرده است. فرانسه و شرکایش باید روشن کنند نهادی تحریم‌شده چگونه در خاک اتحادیه به کار ادامه می‌دهد، به آن پایان دهند و تحریم شبکه همتای اسپانیایی‌زبان آن، هیسپان‌تی‌وی، را که همین کارزار را پوشش داد، بررسی کنند.

5. **کمیسیون اروپا: به‌کارگیری قانون خدمات دیجیتال.** از ایکس باید خواسته شود خطر نظام‌مند حساب‌های هماهنگ و مرتبط با یک دولت را که بحث عمومی یک کشور عضو اتحادیه را هدف گرفته‌اند، ارزیابی کند.

6. **فرانسه و شرکای اروپایی‌اش: نگه‌داشتن دی ۱۴۰۴ در دستور کار پاسخ‌گویی.** یافته‌های هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل باید در قانون کار شورای حقوق بشر بماند و تدوین کنوانسیون جنایات علیه بشریت پشتیبانی فعال بگیرد. هیچ کارزاری نباید بتواند یک کشتار را به موضوعی انتظامی فروبکاهد.

درنا نهادی مستقل و فراجزی برای سیاست‌پژوهی درباره شرایط گذار دموکراتیک در ایران است. dornairan.com